

## استراتژی امپراتوری عثمانی از پروژه حفرت کانال دُن - ولگا \*

محمد تقی امامی خوبی<sup>1</sup>

### چکیده

در قرن شانزدهم میلادی، سلطه روسیه در آسیا، شمال دریای سیاه و شمال دریای خزر که اقوام آن مسلمان بودند، گسترش یافت. عثمانیان در این ایده بودند که کانالی از رودخانه دُن به رودخانه ولگا حفر کنند تا با فتح استراخان و با کمک مسلمانان ترکستان راه پیشروی روس‌ها را به سوی دریای خزر سد کند و جبهه‌ای از پشت سر علیه ایران باز کند. اما روسیه پیش‌دستی کرد و با تصرف شهرهای غازان و استراخان و حوضه ولگا و پیشروی در قفقاز، در میان مسلمانان این مناطق جدایی انداخت. عثمانی تلاش کرد تا حرکات روس‌ها را در قفقاز مانع شود. اما، به علت گرفتاری‌ها در اروپای مرکزی و مشکلات داخلی این نقشه را کنار گذاشت. این مقاله در نظر دارد سیاست عثمانی علیه روسیه در آن قلمرو و نتایج ناکامی‌اش را بررسی کند.

واژگان کلیدی: عثمانی، روسیه، ایران، دریای خزر، کانال دن - ولگا.

### The Ottoman's Strategy in Constructing the Don - Volga Channel

Mohammad Taghi Emami Khoie<sup>2</sup>

#### Abstract

*During sixteenth century, the Russian dominance extended throughout Asia, the north of the Black Sea and the Caspian Sea, where the population were all Muslims. The Ottomans had the idea of constructing a channel from the Don River to the Volga, in order to easily have contact with the Turkish Muslims and obtain their support against the Russians and open a new front against Iran in Caspian Sea. But the Russians forestalled and occupied the cities of Ghazan, Astarkhan and the basin of Volga and advanced into Caucasus and were able to divide the Muslims in those regions. The Ottomans endeavored to counteract the Russian moves in the Caucasus but was obliged to discard the plan because they were occupied in central Europe and were having internal difficulties. This paper intends to discuss the Ottomans' policy against the Russians in those regions and the consequences of their failure.*

*Keywords: Ottoman, Russia, Iran, Caspian Sea, Don - Volga channel.*

<sup>1</sup>. استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری \*تاریخ دریافت مقاله 1388/7/11 تاریخ پذیرش 1388/12/19

<sup>2</sup>. Assistant Professor of Islamic Azad University Shahr\_e\_ Rey Branch

### مقدمه

عثمانی که پس از شکست از امیرتیمور در سال 1402م به سرعت خود را باز یافته بود، در زمان سلطان محمدفتح (886 - 855 ق / 1451 - 1481م) با تصرف استانبول و ترابوزان حاکمیت خود را تا نزدیکی‌های رود ولگا برقرار نمود و دریای سیاه به صورت دریای عثمانی درآمد. به خصوص در سال 1476م با تصرف جنوب کریمه و سواحل دریای آزوف چرخس‌های آن منطقه نیز تحت حاکمیت عثمانی درآمدند. بدین ترتیب عثمانی پس از اعمال حاکمیت تمام عیار خود بر بغازهای بسفر و داردانل، با تصفیة کلنی‌های ژن در دریای سیاه، در شمال این دریا استقرار یافت و سیاست شرقی خود را به صورت یک قدرت بزرگ مطرح کرد. در زمان سلطان سلیم اول نیز با شکست صفویان و ممالیک مصر و کسب عنوان خلیفه و خادمالحرمین شریفین قدرتمندترین کشور عالم اسلامی شد.

روسیه مسکوی، نیز، با شکل‌گیری در سال 1461م به وسیله ایوان سوم و ازدواج او با شاهزاده خانم صوفیا، از خاندان پالئولوگ از امپراتوری بیزانس و رهایی از قید حاکمیت مغولان، به صورت حکومت مستقلی درآمد. ایوان سوم از سویی لقب تزار بر خود نهاد؛ اصل و نسبش را به اگوست قیصر روم رساند؛ خود را نماینده خداوند در روی زمین خواند و با هرگونه اندیشه‌ای که مخالف عقیده و جنبه خدائی او بود، مخالفت ورزید<sup>3</sup> و از دیگر سو با ایجاد اتحاد در میان شاهزاده‌نشین‌ها، در روسیه وحدت پدید آورد.

مسکو، پس از تصرف استانبول توسط سلطان محمدفتح، بزرگ‌ترین حامی کلیسای ارتدوکس شد و به لقب روم سوم دست یافت. نشانه امپراتوری روم - عقاب دو سر - مورد قبول روس‌ها قرار گرفت و این افسانه از آن پس به صورت سلاحی در دست تزارهای روسیه درآمد.<sup>4</sup> روس‌ها با طرح بازپس‌گیری خاستگاه کلیسای ارتدوکس، در صدد برآمده بودند که استانبول مرکز ارتدوکس‌ها را از تصرف عثمانی خارج کنند و از دیگر سو در صدد برآمده بودند تا به دریاهای آزاد دسترسی یابند. بدین‌سان، مسکو با زنده کردن ایدئولوژی جدید، روس‌ها را در سیاست خارجی جدید، که تصرف استانبول و رسیدن به دریاهای آزاد بود، به حرکت در آورد. از این پس تزار با گسترش قلمرو خود به جنوب، سواحل کریمه و دریای

<sup>3</sup>. آرتور ویس، مسکو و ریشه‌های فرهنگ روسی، ترجمه اسماعیل دولتشاهی (تهران: بنگاه ترجمه نشر کتاب، 1351)، ص 35.

<sup>4</sup>. Akdes Nimet Kurat, *Rusya Tarihi: Başlangıcından 1917'ye kadar* (Ankara: Türk Tarih Kurumu yayınları, 1987), s.141.

سیاه را در مرزهای قلمرو عثمانی تهدید کرد و با حمایت از اهالی منطقه در صدد جلب آنان برآمد. همچنین با احداث قلاع در قفقاز، سواحل دریای خزر و دریای سیاه، رقابت سیاسی و نظامی روسیه و عثمانی آغاز شد.

عثمانی برای جلوگیری از پیشروی روس‌ها در شمال دریای سیاه و قفقاز و حفظ نفوذ دینی خود، به عنوان خلیفه اسلامی، در این مناطق و، نیز، در شرق ایران و در آسیای مرکزی، و گشایش راه‌های تجاری و جاده‌هایی که حجاج را به مراکز دینی اسلامی می‌رساند، در صدد دور کردن روسیه از شمال دریای خزر برآمد و در راستای این سیاست تصمیم به حفر کانالی گرفت که رودخانه دن را به ولگا پیوند می‌داد، تا با انتقال نیروی نظامی به این نواحی از پیشروی روس‌ها جلوگیری کند.

\*\*\*

شکل‌گیری و تثبیت کشورهای اروپائی در سده شانزدهم میلادی، حمله اروپاییان را با کشتی‌های پیشرفته و سلاح‌های آتشین برای تسلط بر بنادر و سواحل آسیایی، در پی داشت. مسلمانان جنوب شرقی آسیا مجبور شدند در مقابل این حملات از عثمانی در خواست کمک کنند. چنان‌که حکام مسلمان سوماترا در مقابل تجاوزات پرتغالی‌ها سفیری به استانبول فرستادند و راجه‌های سیلان و کالیکوت، نیز، وعده دادند که اگر عثمانی به آن‌ها کمک کند، تلاش خود را در مسلمان کردن اهالی غیر مسلمان آن منطقه به کار می‌گیرند.<sup>5</sup>

روسیه نیز در برابر عثمانی بر اقتدار خود می‌افزود. چنان‌که ایوان چهارم - مخوف - پس از اقدامات ایوان سوم، قلمرو روسیه را به شرق و جنوب گسترش داد. با شکست آلتین‌اردو به وسیله امیر تیمور و تجزیه قلمرو آن، قسمتی از تاتارهای دشت قیچاق به سوی دوبرجه<sup>6</sup> در قلمرو عثمانی مهاجرت کردند.<sup>7</sup> روسیه با استفاده از این فرصت، خان‌نشین‌های غازان و استرخان (هشترخان / آستاراخان) را در شمال دریای خزر تصرف کرد. قزاق‌های ساکن رودخانه دن، نیز، به طرف دلتای جنوبی رودخانه ولگا مهاجرت کردند و از آن‌جا به سواحل

<sup>5</sup>. Halil İnalçık, "Osmanlı-Rus Rekabetinin Menşei ve Don-Volga Kanalı Teşebbüsü, 1569," *Belleten*, Sayı 13 (Nisan 1948), s. 350.

<sup>6</sup> (Rumence: Dobrogea ; Bulgarca: Dobrudja, Добруджа).

<sup>7</sup>. Müstecib Ülküsal, *Dobruca ve Türkler* (Ankara: Türk Kültürünü Araştırma Enstitüsü, 1966), s. 20.

خزر و سپس به حوالی رودخانه تَرک پراکنده شدند. ایوان چهارم با عفو قزاق‌ها آن‌ها را در قلمرو مرزهای خزر ساکن و از مالیات معاف کرد.

بدین ترتیب، در مدت کمی در حوالی رودخانه تَرک و کوبان جمعیت قابل توجهی ساکن شدند. روسیه با تشکیل ارتشی از این گروه‌ها در راستای مقاصد نظامی خود،<sup>8</sup> به تهدید سواحل کریمه و دریای سیاه پرداخت. خان کریمه مورد حمایت عثمانی و به سان سدّی در برابر روسیه قرارداد داشت.<sup>9</sup> روسیه، نیز، در صدد پیدا کردن متفق‌هایی در میان نوغای‌های غازان و استراخان و حتی چرکس‌های شمال قفقاز بود. لذا، با گسترش تجارت خود در میان تجار محلی، نفوذ خود را در میان قلمروهای مسلمان‌نشین شمال خزر افزایش داد. در این زمان صنایع نساجی و فلزی انگلیس از راه مسکو به غازان و استراخان می‌رسید و کالاهای استپ، نیز، به بازارهای مسکو سرازیر می‌شد.

استپ‌های شرق ولگا که در حاکمیت غازان و استراخان بودند در مقابل نوغای‌های مخالف کریمه جبهه گرفته بودند. لذا، هنگامی که نوغای‌ها در سال 1558م با قحطی بزرگی مواجه شدند، تنها به کمک مسکو از مرگ نجات یافتند. نوغای‌ها با آوردن کالاهای خود نظیر اسب، گوسفند، و پوست به بازار مسکو، مایحتاج خود را از مسکو تأمین می‌کردند. نوغای‌ها در دو دسته یکی به امر اسماعیل‌میرزا زیر نفوذ مسکو و دیگری به امر یوسف‌میرزا تحت حاکمیت و نفوذ کریمه و عثمانی بودند. چنان‌که سلطان سلیمان قانونی (974 - 926 ق / 1566 - 1520م) برای یوسف‌میرزا منشور امیرالامرائی فرستاد.<sup>10</sup>

نوغای‌های ساکن استپ‌های شمال دریای سیاه و حوالی ولگا، در روابط روسیه و عثمانی نقش بزرگی داشتند که بعدها قزاق‌ها نیز همین نقش را برای روسیه ایفا کردند. نوغای‌های اسماعیل‌میرزایی، که طرفدار روسیه بودند، تمام اقدامات مسلمانان غازان و استراخان و کریمه را در جدائی از مسکو نقش بر آب و به برقراری حاکمیت روس‌ها در این نواحی کمک زیادی کردند. اگر خان‌نشین کریمه تحت حمایت عثمانی نبود، خان‌های محلی خیلی زود تحت حاکمیت روس‌ها در می‌آمدند. بدین ترتیب، نوغای‌های دریای سیاه، قزاق‌های دُن، و

<sup>8</sup>. Mustafa Aydın, *Uç büyük Gücün Çatışma Alanı* (İstanbul: Bilimevi Basın Yay., 2005), s. 32.

<sup>9</sup>. İsmail Hami Danişmend, *İzahlı Osmanlı Tarihi Kronolojisi*. C.2 (İstanbul: Türkiye Yay., 1971), s. 383.

<sup>10</sup>. İnalçık, s. 359.

چرکس‌های قفقاز تابع روسیه شدند.<sup>11</sup> از این‌رو، نفوذ روسیه در قفقاز و دریای سیاه افزایش یافت. این مسئله نقطه آغازی در نفوذ روسیه در اروپای شرقی و تهدید حاکمیت عثمانی در سواحل دریای سیاه بود. با این همه، روسیه از دشمنی آشکار با عثمانی بیم داشت. لذا، سعی می‌کرد تعرضات خود را به سوی حوزه بالتیک بکشانند.<sup>12</sup> رقابت روسیه و عثمانی از همین جا شکل گرفت. عثمانی در ابتدا به سیاست گسترش خود در دشت قباچاق چندان اهمیت نمی‌داد. ولی، مصادف با گسترش روسیه، گسترش عثمانی و تبدیل آن به یک امپراتوری، نیز، تحقق یافت. ایران در آن موقع در پی جنگ رسمی با عثمانی‌ها نبود.

نامنی در شرق آناتولی و دریافت کمک و سلاح‌های آتشین ساکنان آن نواحی از روسیه، راه اندازی جنگ‌های نامنظم و، در نتیجه، مشکلات زیادی را برای عثمانی در پی داشت.<sup>13</sup> از دیگر سو، تشکیل حکومت شیعی مذهب صفوی و رویارویی آن با دو حکومت ازبک در شرق و عثمانی در غرب ایران، و تلاش‌های سیاسی و نظامی برای گسترش فتوح در مناطق غربی دریای خزر تا قفقاز، موازنه جدیدی در روابط چندگانه این منطقه ایجاد کرده بود. نبردهای میان ایران و عثمانی، مستلزم از دست دادن جان و مال زیادی بود که دولتمردان عثمانی برای حل این مسئله نظرات مختلفی ارائه دادند. نامه‌هایی هم از سوی خان‌های ازبک - عبیدالله‌خان و عبداللطیف‌خان - به عثمانی ارسال می‌شد که درخواست کمک مالی و تسلیحاتی از سلطان سلیمان قانونی برای مقابله با حکومت صفوی، داشتند. برخی از منابع ارسال سیصد نفر بینی‌چری و مهمات و مشاوران برای این کار را ذکر می‌کنند. اما مرگ عبداللطیف‌خان باعث شد که از این سلاح‌ها علیه صفویان استفاده نشود.<sup>14</sup>

روس‌ها با تصرف استراخان در سال 1556 میلادی، متصرفات خود را در راستای تسخیر قفقاز گسترش دادند. در نتیجه این پیشروی، ارتباط میان روس‌ها و چرکس‌ها افزایش یافت. روس‌ها با اعزام کشیش به این مناطق، مسیحیت را دوباره در میان چرکس‌ها ترویج کردند، و بعضی از امرای چرکس با افراد زیر نفوذ خود، تابع روسیه شدند و در جنگ تزار با خان‌های کریمه در کنار روس‌ها قرار گرفتند. در سال 1557 میلادی، نیز، امیر قابارها هیأتی مبنی بر

<sup>11</sup>. Aynı, s. 359.

<sup>12</sup>. Aynı, s. 366.

<sup>13</sup>. Akdes Nimet Kurat, *Türkiye ve İdil Boyu* (Ankara: Ankara Üniversitesi Basımevi, 1966), s. 5.

<sup>14</sup>. Mehmet Saray, *Rus İşğali Devrinde Osmanlı Devleti ile Türkistan Hanlıkları Arasındaki Siyasi Münasebetler* (İstanbul: İstanbul Üniversite Yay., 1990), s.4.

تابعیت خود نزد روس‌ها فرستاد و در نبرد با شمخال‌ها از روسیه درخواست کمک کرد. حیدر اوغلی - امیر قبارها - همچنین با انجام غسل تعمید، خود را مطیع تزار روسیه کرد. این کار چنان به مذاق تزار خوش آمد که او را محافظ خود نمود و با دخترش ازدواج کرد؛ با این کار میان چرکس‌ها و تزار رابطه خویشاوندی برقرار شد.

با قدرت‌گیری روسیه تزاری، در شمال دریای سیاه و کریمه و ضعیف شدن عثمانی، اهالی قفقاز در صدد عوض کردن حامیان خود برآمدند.<sup>15</sup> روس‌ها با گسترش اقتدار خود در میان قبارها، در مسیر سواحل رودخانه تَرک و با احداث قلاع و استقرار توپ بر استحکامات آن‌جا افزودند. بدین ترتیب، نفوذ روس‌ها علیه خان کریمه و ترکان عثمانی تا دهانه کوبان در دریای سیاه و حوالی آزوف، گسترش یافت. روس‌ها با تکیه بر استحکامات قلعه تَرک و تهدید شمخال، با تکیه بر چرکس‌های قبار و امیرنشین‌های نوغای که به ساحل کوبان کوچ کرده بودند، امکان تصرف در بند را به دست آوردند. قاضی میرزا - رهبر نوغای‌ها - این تهدید را بلافاصله حس کرد و مسئله را به باب‌عالی گزارش داد.<sup>16</sup> بعد از این حوادث، برای دربار عثمانی پس گرفتن غازان و استراخان و تقویت قدرت‌اش در شمال قفقاز، ضرورت تمام یافته بود.

این تلاش‌های عثمانی، تنها برای جلوگیری از پیشروی روسیه در شمال دریای سیاه و قفقاز نبود، بلکه، حفظ نفوذ دینی و استفاده از موقعیت پیش آمده در برابر گسترش مسیحیت، نیز، سیاستی بود که سلاطین عثمانی به عنوان خلیفه مسلمانان دنبال می‌کردند. زیرا، این سلاطین خود را بزرگترین حاکم و حامی مسلمانان می‌دانستند و عنوان خادم‌الحرمین (مکه و مدینه) را بر خود نهاده و حفظ راه‌های حجاج را وظیفه سیاسی و مذهبی خود به شمار می‌آوردند. اگرچه، واقعیت این بود که با این سیاست تسلط بر مسیرهای تجاری را مد نظر داشتند. در این شرایط، مسلمانان ماوراءالنهر و پیرامون آن، برای رفتن به حج و برقراری روابط تجاری با عثمانی، مشکلات زیادی داشتند که از جمله آن‌ها چگونگی عبور از ایران بود.

تاجران و حجاج، برای رسیدن به آناتولی و عراق در گذشته از راه غازان، استراخان، اران، و قفقاز استفاده می‌کردند. اما، این مسیر در این زمان زیر نفوذ روسیه قرار داشت. بدین‌سان،

<sup>15</sup>. Ülküsal, s. 22, 24.

<sup>16</sup>. Kurat, *Türkiye ve...*, s. 56.

عثمانی برای دور زدن از شمال دریای خزر، در صدد برآمد تا روسیه را در تنگنا قرار دهد و از غازان و استراخان دورش نماید، تا بتواند راه‌های شمال خزر را بازگشایی کند.<sup>17</sup> در این زمان حاجی محمدخان - حاکم خوارزم (خیوه) - نامه‌ای توسط ایلچی خود - حیدر بهادر - به دربار عثمانی فرستاد و آزار و اذیت حجاج و تجار را که توسط روسیه صورت می‌گرفت، به اطلاع حکومت عثمانی رساند و فتح استراخان و بازگشایی این راه را از عثمانی درخواست کرد.

شکایت‌ها تنها از جانب مسلمانان ناحیه کریمه و نوغای نبود، بلکه، از طرف حجاج ترکستان، ماوراءالنهر و پیرامون آن و مسلمانان مسیر دربند (باب‌الابواب) که تحت کنترل روسیه درآمده بودند، نیز، شکایت‌هایی مرتباً به استانبول واصل می‌شد.<sup>18</sup> از دیگر سو در این زمان، امپراتوری عثمانی در اقیانوس هند برای از دست ندادن راه‌های تجاری و مسیرهای حج، در راه دریایی جنوب شرقی آسیا با پرتغالی‌ها در حال جنگ بود.

در چنین شرایطی، سلطان سلیم دوم معروف به ساری سلیم، یعنی سلیم زرد (982-974 ق / 1574 - 1566)، فرزند سلطان سلیمان قانونی که مادرش روکسلانه مشهور به خرم‌سلطان از اهالی اوکراین بود، در چهل و دو سالگی به سلطنت رسید. اگرچه سلطان سلیم شایستگی حکومت نداشت، اما وزیر با لیاقت او، صوفللی محمد پاشا، در شرایطی که امپراتوری عثمانی عقب‌نشینی خود را در برابر این مشکلات آغاز کرده بود، در صدد تغییر در سیاست عثمانی برآمد.<sup>19</sup> در اواخر 1567 م و اوایل سال 1568 م موضوع سواحل ولگا و راه استراخان برای گشودن راه حجاج و تجار از طریق حفر کانالی به طول پنجاه کیلومتر در نزدیک‌ترین فاصله میان رودخانه‌های ولگا و دن مورد بررسی قرار گرفت. این کانال می‌بایست، بندر آزوف را از مسیر دریایی به استراخان وصل کند. این پروژه می‌توانست سدهای ایجاد شده به وسیله روس‌ها را از بین برده و ترکستان و ماوراءالنهر و پیرامون آن را به عثمانی پیوند دهد.<sup>20</sup>

ناگفته نماند که این فکر چند سال قبل (1563 م)، در زمان سلطان سلیمان و صدارت علی پاشا، بررسی شده بود و آنچه در این زمان مطرح می‌شد، در حقیقت، چکیده اندیشه

<sup>17</sup>. *Tarih Yeni ve yakın Zemanlar*, T. T. T. Cemiyati Tarafından Yazılmış (İstanbul: Devlet Matbaası, 1933), s. 64.

<sup>18</sup>. Kurat, s. 99.

<sup>19</sup>. Hüseyin Namikorkun, *Türk Tarihi* (Ankara: Akba Kitabevi, 1946), s. 33.

<sup>20</sup>. Yılmaz Öztuna, *Osmanlı Devleti Tarihi* (İstanbul: Faisal Finans Kurumu Yay., 1986), s. 258 - 259.

روشنفکران آن دوره بود که به علت نیاز زمان مطرح شده بود، اما، گرفتاری‌های سلطان سلیمان با خاندان هابسبورگ باعث شد که این طرح به فراموشی سپرده شود.<sup>21</sup> صوقللی محمد پاشا در حالی با جدیت این نقشه را تأیید کرد و در صدد انجام آن برآمد که اطرافیان سلطان سلیم در صدد متزلزل کردن برنامه‌های او بودند و بهانه می‌آوردند که این نقشه خیالی، جز صرف هزینه فراوان نتیجه‌ای برای عثمانی نخواهد داشت. با این همه، فشار اقوام مسلمان شمال خزر و افراد آشنا به منطقه، صدراعظم را، در پی لشکرکشی به آن منطقه، به انجام این طرح واداشت.

موفقیت در این لشکرکشی و حفر کانال می‌توانست پیامدهای گوناگونی داشته باشد. از جمله: گشودن راه‌های تجاری، حل مشکلات حجاج، ایجاد کانالی میان رودخانه‌های دن و ولگا، برقراری ارتباط میان دریای سیاه و خزر، حمل ارزاق و مهمات به وسیله کشتی‌ها در حمله به ایران و اران و شمال قفقاز، و جلوگیری از پیشروی روس‌ها.<sup>22</sup> بدین‌سان در سال 1568م در استانبول، مهم‌ترین آثار این لشکرکشی به شرح زیر مورد تأیید قرار گرفت:

1- در صورت تصرف شهری مانند استراخان توسط عثمانی که دارای ارزش اقتصادی و استراتژیک است، علاوه بر منافع فراوان مادی، راه‌های حجاج ترکستان نیز از طریق استراخان تأمین خواهد شد و با پس راندن روس‌ها از این منطقه، راه‌های ارتباطی آنان به شمال دریای خزر و نیز دریای سیاه بسته می‌شود.<sup>23</sup>

<sup>21</sup> برای آگاهی بیشتر، نک: استانفورد جی شاو، تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید، ترجمه محمود رمضان زاده (مشهد: آستان قدس رضوی، 1370).

<sup>22</sup> خلیل اینالچیک در باره زمینه‌ها و اهداف این طرح می‌نویسد: «سلطان سلیمان به محض این که قرارداد آتش‌بسی را در سال 1562 با هابسبورگ‌ها منعقد کرد... در سال 1563 طرح حمله‌ای را به استراخان که اخیراً توسط روس‌ها اشغال شده بود، ریخت... [وی می‌خواست] که ناوگانی را از طریق رودخانه دن اعزام کند تا کانالی بین رودخانه‌های دن و ولگا حفر نماید تا در پی آن با فتح استراخان: الف - روس‌ها را از حوضه جنوبی ولگا پس براند؛ ب - با اعزام ناوگانی از دریای سیاه به دریای خزر از طریق راه‌های آبی، ایران را از پشت سر محاصره کند؛ ج - حوزه قفقاز را به اطاعت خود درآورد؛ د - با خانات آسیای میانه ارتباط مستقیم برقرار کند؛ و ه - راه تجاری و زیارتی خوارزم - استراخان - کریمه را به زیر نظارت خود درآورد. در همین ایام، حکام شیروان و گرجستان از سلطان عثمانی تقاضای حمایت از خود را در برابر ایران کرده بودند و ... صوقللی محمد پاشا با اجرای این پروژه [در سال 1569] می‌خواست که مسائل مرتبط با ایران و روسیه را به طور همزمان فیصله دهد. زیرا، اصلاح فیما بین و برقراری رابطه بین سزار و [شاه] ایران محتمل بود. چون که سفیر مسکوی (I. P. Novosittsev) سال قبل (1568) در قصر شاه ایران حضور یافته بود...» نک:

Halil İnalçık and Günsel Renda, eds., *Ottoman Civilization*, Vol. 1 (Ankara: Ministry of Culture and Tourism, 2004), P. 125 - 126.

<sup>23</sup> ابوبکر بن عبدالله، تاریخ عثمان پاشا، به کوشش یونس زیرک، ترجمه نصرالله صالح (تهران: طهوری، 1387)، ص 33.



2- با این لشکرکشی، از ادامه حرکت روس‌ها به سوی قفقاز جلوگیری خواهد شد و اراضی قفقاز شمالی واقع در جنوب رودخانه‌های دن و ولگا میان دریا‌های آزوف و خزر از دست روس‌ها بیرون خواهد رفت.

3- قلمرو شهر غازان از حاکمیت روس‌ها بیرون رفته و در اختیار خان کریمه قرار خواهد گرفت.

4- با حفر کانالی میان رودخانه‌های دن و ولگا، یک راه ارتباطی مناسب تأمین گشته، از طریق این راه در جنگ با ایران، ارزاق و مهمات به راحتی تأمین شده و با اقامت طولانی مدت نیروهای عثمانی در ایران، شکست آن کشور عملی خواهد شد.

5- با اضافه کردن یک راه آبی در کنار راه‌های زمینی، محاصره شمال ایران به خصوص تأمین آذوقه در حملات به ایران تحقق پیدا خواهد کرد.<sup>24</sup>

پچوی می‌نویسد برخی از صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که اتصال رودخانه‌های دن و ولگا که به دریای سیاه و دریای قزقم می‌ریزند، فاصله را کاهش می‌دهد و این امر در برابر همت پادشاه همایون امر ساده‌ای است.<sup>25</sup> کاتب چلبی هم همین سخن را بیان می‌کند که رودخانه دُن به دریای سیاه و ولگا به دریای شیروان می‌ریزد و حفر کانال در محل نزدیک‌ترین فاصله این دو رودخانه به هم، کمک‌رسانی به لشکر را در دمیر قاپو (در بند) و شیروان از راه دریا آسان می‌کند. لشکر می‌تواند به گیلان و مازندران راه پیدا کند و این کار در برابر همت پادشاهان امری آسان است.<sup>26</sup> مورخ «عالی» نیز این لشکرکشی را لشکرکشی استراخان می‌نامد و می‌نویسد که هدف عثمانی از این لشکرکشی تسلط بر سواحل جنوبی ولگا بوده است تا با حفر کانالی میان دن و ولگا کشتی‌ها را وارد ولگا کرده و ارزاق و مهمات را به استراخان حمل کند؛ امکان رسیدن به دریای خزر از آنجا بسیار آسان‌تر می‌شود. در این نقشه، لشکرکشی‌های ایران نیز نقش مهمی ایفا می‌کرده‌اند. چون در آن موقع ایران و عثمانی برای تصرف گرجستان، آذربایجان و شیروان با هم در رقابت بودند.<sup>27</sup>

صوقللی برای انجام این کار مهم، دفتردار خود - قاسم بیک چرکسی - را مأمور کرد. او با کسب اطلاعات از آگاهان محلی، پس از اندازه‌گیری، محل حفاری را شش میل دریایی

<sup>24</sup>. Danişmend, s. 103.

<sup>25</sup>. İbrahim Efendi Peçevi, , *Peçevi Tarihi*, Hazırlayan Bekir Sıtkı Baykal (Ankara: Kültür Bak. Yay., 1992), s. 330.

<sup>26</sup>. Danişmend, s. 384.

<sup>27</sup>. İnalçık, s. 375.

تثبیت کرد و برای انجام این نقشه افرادی را به هر طرف فرستاد.<sup>28</sup> دستور ساختن کشتی‌های سبک جدید صادر شد و برای ساختن کشتی‌ها استادکاران و مهندسان به «کفه» اعزام شدند. فرمانی هم برای تهیه ارزاق لازم برای لشکرکشی صادر شد. از ثروتمندان برای تأمین گوشت و سایر مایحتاج سفر درخواست کمک کردند. قلعه آروف به عنوان محل تجمع نیروها تعیین و قرار شد تمام نیروها تحت فرمان قاسم بیک باشند.

حکومت عثمانی از خان کریمه، که از زمان سلطان محمد فاتح تحت حمایت عثمانی در آمده بودند،<sup>29</sup> درخواست کرد که به علت آشنایی به منطقه با سواران خود در این لشکرکشی نقش مهمی عهده دار شود. ولی، نظر خان کریمه در این لشکرکشی با عثمانی متفاوت بود، او از یک طرف عثمانی را به این لشکرکشی تشویق می‌کرد و از طرف دیگر با نوشتن نامه به ایوان چهارم - تزار روسیه - خواستار واگذاری غازان و استراخان به خودش بود که در صورت موافقت تزار، نیازی به این لشکرکشی و کمک به عثمانی نمی‌دید. البته وی، در صورت موافقت نکردن روسیه با درخواستش، تصمیم داشت تا با عثمانی وارد همکاری شود.<sup>30</sup> خان کریمه در نظر داشت، در صورتی که حفاری کانال به نتیجه‌ای نرسد و عثمانی از این کار منصرف شود، نفوذ خود را در دربار مسکو افزایش دهد. علت این جبهه‌گیری دوگانه او، ترس از لشکرکشی عثمانی و تصاحب منطقه و از دست رفتن استقلال خودش بود.<sup>31</sup> زیرا، خان کریمه با هفت سَنَجَق خود می‌توانست سکه ضرب کند و خطبه به نام خود او خوانده شود. ولی، تعیین و عزل خان به عهده عثمانی بود.<sup>32</sup> از این رو، خان کریمه برای این که در میان دو امپراتور از میان نرود و منطقه نفوذ خود را حفظ کند، درصدد اتخاذ چنین سیاست دوگانه‌ای برآمد.<sup>33</sup>

لشکرکشی عثمانی در سال 1569م در سه مرحله آغاز شد: مرحله یکم، حمل تجهیزات از رودخانه دن تا اوایل رودخانه ولگا به وسیله کشتی‌ها و حمل آن‌ها به ولگا بود؛ مرحله دوم،

<sup>28</sup>. Peçevi, s. 331.

<sup>29</sup>. Ahmet Cevdat Paşa, *Cevdat Paşa Tarihinden Seçmeler* (İstanbul: Milli Eğitim Basımevi, 1994), s. 43.

<sup>30</sup>. Kurat, s. 112.

<sup>31</sup>. *Tarih Yeni ve yakın Zemanlar*, s. 64.; Ahmet Rasim, *Osmanlı Tarihi 1864\_ 1932* (Ankara: Cumhuriyet Gazetecilik ve Matbaacılık Basımevi, 1966\_ 1967), s. 82.

<sup>32</sup>. Mehmet Zillioğlu, *Evlîya Çelebi Seyahatnamesi*, C. 1\_2 (İstanbul: Üçdal Neşriyat, 1966), s. 123.

<sup>33</sup>. İnalçık, s. 377.

حمله به استراخان و تصرف آنجا بود؛ مرحله سوم بدین قرار بود که در صورت مقاومت استراخان جدید، چنانچه روسها استراخان قدیمی را مستحکم نکردند، زمستان را در آنجا گذرانده با تأمین آذوقه در بهار سال 1570م دوباره به استراخان حمله شود. در این لشکرکشی قاسم پاشا به اتفاق همراهان خود و عده‌ای از لشکریان خان کریمه، ناوگان کشتی‌ها را، البته از طریق خشکی، تعقیب می‌کردند.

در مورد نوع وسایل و تجهیزات و تعداد نیروهای نظامی عثمانی نظریات مختلفی در منابع وجود دارد. بیش‌تر منابع، نیروهای ینی‌چری شرکت کننده در این لشکرکشی را پنج تا سه هزار سپاهی، نیروهای خدماتی را بیست تا سی هزار نفر، نیروهای محلی دولت‌گرای - خان کریمه - را سی تا پنجاه هزار نفر، برشمرده‌اند. فرماندهی نیروهای ترک را قاسم پاشا بیکربیگی کَفَه عهده‌دار بود.<sup>34</sup>

پس از آمادگی در اول بهار، اردوی عثمانی به سواحل کفه رسید. خان کریمه نیز با نیروهای خود به آن‌ها ملحق شد. توپخانه در تحت محافظت پانصد نیرو از آزوف به رودخانه دُن منتقل و آذوقه و مهمات در قلعه آزوف نگهداری شد. نیروهای عثمانی از ترس قزاق‌ها و روس‌ها با احتیاط پیشروی خود را دنبال کردند که سرانجام بدون کوچکترین برخوردی، پس از پنج هفته به محل رسیدند.<sup>35</sup>

این نیروها سه ماه مداوم در این محل مشغول کار شدند و در این مدت یک سوم از کانال حفر شد. روسیه و ایران را ترس از عثمانی، با هم متحد کرد. تزار، ایلچی خود را با سیصد سوار به سوی ایران فرستاد و خطرات عثمانی را برای ایران روشن ساخت و ایران را علیه عثمانی تحریک کرد. ایرانیان این اخطار روس‌ها را جدی گرفته و به آمادگی خود پرداخته، از مسکو توپچی و کمک‌های دیگر دریافت کردند.<sup>36</sup> اما، نه روسیه و نه ایران، هیچ کدام در نقش تهدیدی برای مقابله با این برنامه ظاهر نشدند و حفر کانال به صورت جدی دنبال شد.

در پی حفر یک سوم از کانال، پدید آمدن فصل سرما<sup>37</sup> باعث شد که قاسم پاشا در صدد برآید تا برای حمله به استراخان، مهمات خود را از راه خشکی به رودخانه ولگا بکشاند. در

<sup>34</sup>. Danişmend, s. 385.

<sup>35</sup>. Kurat, s.120.

<sup>36</sup>. İnalçık, s. 380.

<sup>37</sup>. احمد رشید، خریطه‌لی و رسم‌لی مکمل تاریخ عثمانی (استانبول: آرتین آصادوریان و مخدوم‌لری مطبعه‌سی، 1327)، ص

این موقع نمایندگانی از تاتارستان و استراخان خواستند تا قاسم پاشا از طرح خود منصرف شود. اما، او با نیروهای خود به استراخان نزدیک شد. روس‌ها، نیز، چندی پیش از فتح استراخان توسط قاسم پاشا، شهر قدیمی را رها کرده و در دوازده کیلومتری جنوب آن قلعه جدیدی را روی جزیره‌ای بنا نهاده بودند. قاسم پاشا جرأت حمله به این قلعه را پیدا نکرد. ولی، مسلمانان ساکن قلعه و دشت قبیچاق به همراه خانواده‌های خود، با خوشحالی، از نیروهای عثمانی استقبال کردند<sup>38</sup> و به نیروهای عثمانی ملحق شدند و با اهداء قربانی‌ها، نیروهای عثمانی را به فتح قلعه‌ای که روس‌ها در اختیار داشتند، تشویق کردند. اما، قاسم پاشا به علت همراه نداشتن توپخانه و رسیدن زمستان نتوانست قلعه را محاصره کند. از این رو، درصدد احداث قلعه‌ای در شهر قدیمی استراخان برآمد<sup>39</sup> تا با توقف در قلعه و گذراندن زمستان در آن‌جا، با فرارسیدن بهار، دوباره، تعرضات خود را آغاز کند. با فرارسیدن زمستان سرد منطقه و بازگشت نیروهای خان کریمه، کمبود آذوقه و مشخص نبودن وقت نماز، اعزام نیرو از طرف تزار، اتحاد روسیه با ایران، و هم‌چنین تبانی نوغای‌ها با روسیه، سپاه عثمانی را ترس و اضطراب فرا گرفت و روحیه خود را باختند.<sup>40</sup>

قاسم پاشا، در پی شرایط جدید، با آتش زدن اردوگاه مستحکم خود تصمیم به بازگشت گرفت. عثمانی‌ها مهمات و تجهیزات را با کندن گودال‌ها دفن کردند. اما، این نیروها در بازگشت، در آزوف نیز با مشکلات زیادی مواجه شدند. در آزوف، فکر بازگشت دوباره در بهار مطرح شد. اما، با آتش سوزی و انفجار انبار آذوقه و مهمات و کشته شدن یک‌هزار نفر در آن محل، تمام امیدها به یأس مبدل گردید. این آتش سوزی، به عمد، از طرف ینی‌چری‌ها صورت گرفت.<sup>41</sup> زیرا، ینی‌چری‌ها در جنگ‌های اروپا به آسانی غنایم خوبی به دست می‌آوردند و حاضر به شرکت در این‌گونه لشکرکشی‌ها در صحراهای خشک بدون غنیمت نبودند.

به هر صورت، لشکرکشی پر هزینه استراخان با وضع اسفناکی پایان یافت.<sup>42</sup> سلطان سلیم تمام مسئولیت این شکست را متوجه صدراعظم دانست و دستور داد تمام هزینه‌های

<sup>38</sup>. Zillioğlu, s. 139-140.

<sup>39</sup>. İnalçık, s. 318.

<sup>40</sup>. Aynı, s. 382.

<sup>41</sup>. Aynı, s. 383.

<sup>42</sup>. هامر پورگستال، تاریخ امپراتوری عثمانی، ج 2، ترجمه میرزا زکی علی آبادی، به اهتمام جمشید کیانفر (تهران: زرین، 1367)، ص 1381.

این لشکرکشی از او گرفته شود.<sup>43</sup> بنا به روایت وقایع‌نویسان عثمانی، عامل اصلی در این شکست خان کریمه بود که از ترس از دست دادن استقلال خود، به تصرف این منطقه به دست عثمانی مایل نبود. از این رو، با شایعه پراکنی موجب متلاشی شدن سپاه اعزامی عثمانی شد.

ایوان چهارم - تزار روسیه - در سال 1570م ایلچی خود را به دربار عثمانی فرستاد و نیت دوستانه خود را اعلام کرد. در این نامه، علت اصلی لشکرکشی استراخان مطرح شده بود. تزار اعلام کرد که هیچ‌گاه دشمن اسلام نبوده و حقوق مسلمانان را ضایع نکرده است. بلکه، حامی آن‌ها نیز بوده و مساجد آن‌ها را تخریب نکرده، و انجام تمام مراسم و عادات دینی آن‌ها در همه جای روسیه آزاد است. با وجود این نامه دوستانه، از ایلچی تزار در دربار عثمانی استقبال نشد.

در پاسخ نامه تزار، سلیم دوم نوشت: «هنگامی که سلطان محمد فاتح ولایت کفّه را فتح کرد، خان‌های کریمه و امرای چرکس تابع او شدند. در حالی که شما در محل نفوذ خود در ناحیه قابارها، به احداث قلعه اقدام کرده و از طرفی هم راه را بر مسلمانان حاجی‌ترخان، دشت قیچاق، و ماوراءالنهر به هنگام عبور از این ناحیه، مسدود نموده‌اید. تمام امرا و خان‌های آن مناطق در اثر فشار روسیه رسماً به دربار عثمانی آمده، کمک خواستند که به همین دلیل، خان کریمه با برخی از بیکریگی‌ها بدان سو فرستاده شدند.» سلطان سلیم همچنین برای برقراری دوستی این پیشنهادها را ارائه کرد: «بازگشایی راه استراخان؛ تخریب قلعه احدائی در ناحیه قابارتای؛ تأمین امنیت مسافران که قصد ورود به قلمرو عثمانی را دارند.»<sup>44</sup> بعلاوه، در این نامه، سلطان حاکمیت خود را بر کریمه و چرکس قید کرد. ولی، از غازان و استراخان صحبتی به میان نیاورد و به از دست دادن راه‌های منتهی به قلمرو مسلمان‌نشین ماوراءالنهر و پیرامون آن و دشت قیچاق که آنان را با دنیای غرب اسلامی مرتبط می‌ساخت، راضی شد.

در این زمان، حمله خان کریمه به مسکو و تخریب و به آتش کشیدن شهر خوشحالی استانبول را موجب شد و نامه‌ای همراه با هدایا برای خان کریمه ارسال گردید. عثمانی، نیز، به فتح قبرس موفق شد. در نتیجه، سفیر روسیه شرایط عثمانی را پذیرفت، از جمله: تخریب

<sup>43</sup>. رشید، ص 316.

<sup>44</sup>. İnalçık, s. 388.

قلعه واقع در روی رودخانه تَرک؛ عقب‌نشینی نیروها به استراخان؛ بازگشایی راه‌های عبوری مسلمانان از شمال خزر؛ سعی در حفظ دوستی. اما، موفقیت خان کریمه جرأتی به استانبول بخشید که در مورد دوستی و اتفاق با روسیه پاسخی نداد. حتی، استرداد غازان و استراخان و قبول اطاعت تزار از عثمانی، نیز، درخواست شد.<sup>45</sup>

امپراتوری عثمانی، پس از هجده سال، لزوم یک حمله مجدد را در شمال خزر احساس کرد. جنگ‌های ایران و عثمانی در سال 1578م، استیلای عثمانی‌ها بر گرجستان، داغستان، حوالی خزر و شیروان و حفظ و نگهداری این مناطق به علت دوری از آناتولی، دستاوردهای بعدی عثمانی بود. عثمانی خواست نقشه صوقللی را دوباره به مرحله اجرا درآورد. اما، در این فکر، حفر کانال دُن به ولگا کنار گذاشته شد. عثمانی می‌خواست نیروها را از کریمه به استپ‌های شمال قفقاز و دمیرقاپو [در بند] سوق دهد و با تهیه کشتی در ساحل خزر، حاکمیت خود را بر این دریا اعمال کند. به گونه‌ای که خان کریمه در سال 1579م از این راه استفاده کرد و اوز دمیراوغلی عثمان پاشا را که از طرف نیروهای ایرانی در تنگنا قرار گرفته بود، نجات داد. عثمان پاشا از قفقاز از راه گشوده شده در صحرا به شیروان و دمیر قاپو آمد<sup>46</sup> و در صدد اعمال حاکمیت بر شمال دریای خزر برآمد. نیروهای عثمانی در سال 1582م دوباره برای رفتن به داغستان به فرماندهی جعفر پاشا - امیر کَفَه - پس از گذر از استپ‌های شمال قفقاز و از رودخانه تَرک و کوبان در داغستان به اوز دمیر اوغلی عثمان پاشا ملحق شدند. عثمان پاشا به کمک این نیروها در جنگ با ایران پیروز شد.<sup>47</sup>

### نتیجه‌گیری

گسترش قلمرو روسیه در سده شانزدهم میلادی، میان ترکان مسلمان در آناتولی که تحت حاکمیت عثمانیان قرار گرفته بودند با مسلمانان قفقاز و بخش‌های شرقی دریای خزر فاصله انداخت. مهم‌ترین راه دسترسی مسلمانان دو سوی این دریا عبور از بندرگاه استراخان بود که روسیه با تسخیر شهرهای غازان و استراخان و حوضه ولگا و پیشروی در قفقاز، این راه را بر تاجار و حجاج مسدود کرد. در نتیجه درخواست‌های مسلمانان در ترکستان، ماوراءالنهر و قفقاز، عثمانی در صدد برآمد تا برای از بین بردن موانع موجود تلاش کند. اندیشه حفر کانالی

<sup>45</sup>. İnalçık, s. 389.

<sup>46</sup>. اسکندر بیک ترکمان، تاریخ عالم آرای عباسی، ج 1 (تهران: امیرکبیر، 1364)، ص 172 و 171.

<sup>47</sup>. İnalçık, s. 392.

میان دو رودخانه دن و ولگا که در پی تصمیم‌گیری‌های زمان سلطان سلیمان قانونی و سلطان سلیم دوم، به مرحله اجرا درآمد تنها به حفر یک‌سوم کانال و شکست عثمانیان در برابر شرایط سرد زمستانی انجامید. در پی این ناکامی، امپراتوری عثمانی به علت گرفتاری‌هایش در اروپای مرکزی و مشکلات داخلی، از سیاست فعال در شمال خزر چشم‌پوشی کرد. اگر این نقشه عملی و موفق می‌شد منافع سیاسی عثمانی چشمگیر بود و از استیلای روسیه بر آسیای مرکزی، بخش‌هایی از ایران و آناتولی جلوگیری می‌شد. همچنین زمینه اتحاد مسلمانان از سواحل دریای آدریاتیک تا مرزهای چین تأمین و از پیشروی بعدی روسیه، نیز، جلوگیری به عمل می‌آمد. اگر تا این تاریخ امپراتوران عثمانی خود را در قلمروهای مسلمان نشین به عنوان خلیفه خادم‌الحرمین شریفین مطرح می‌کردند، بعد از این روسیه، نیز، به عنوان حامی ارتدکس‌های جهان و وارث امپراتوری بیزانس به عنوان رُم سوم شروع به دخالت در قلمروهای عثمانی در بالکان کرد. در واقع در این جریان هم منافع تجاری و بازرگانی مورد توجه دو طرف بود و هم برقراری پیوند جاده‌ای میان عثمانیان با حکومت‌های مسلمان در شرق ایران و از آن میان ازبکان که هر دو با صفویان، به عنوان پادشاهان شیعی ایران، در نبرد بودند.

### کتابنامه

- ابن عبدالله، ابوبکر. تاریخ عثمان پاشا. به کوشش یونس زیرک. ترجمه نصراله صالحی. تهران: طهوری، 1387.
- پورگشتال، هامر. تاریخ امپراتوری عثمانی. ج 2. ترجمه میرزا زکی علی آبادی و به اهتمام جمشید کیانفر. تهران: زرین، 1367.
- ترکمان، اسکندر بیک. تاریخ عالم آرای عباسی. ج 1. تهران: امیرکبیر، 1364.
- رشید، احمد. خریطه‌لی و رسم‌لی مکمل تاریخ عثمانی. استانبول: انتشارات آرتین آصادوریان و مخدوملری مطبعه‌سی، 1327.
- شاو، جی. استانفورد. تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید. ترجمه محمود رمضان زاده. مشهد: آستان قدس رضوی، 1370.
- ویس، آرتور. مسکو و ریشه‌های فرهنگ روسی. ترجمه اسماعیل دولتشاهی. تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب، 1351.

Aydin, Mustafa. *Üç Büyük Gücün Çatışma Alanı*. İstanbul: Bilimevi Basın Yay., 2005.

Danişmend, İsmail Hami. *Izahlı Osmanlı Tarihi Kronolojisi*. C.2. İstanbul: Türkiye Yay., 1971.

İnalçık, Halil. "Osmanlı–Rus Rekabetinin Menşei ve Don–Volga Kanalı Teşebbüsü 1569."

*Bellekten*. sayı 13 (Nisan 1948). s. 349 \_402.

\_\_\_\_\_ and Günsel Renda, eds. *Ottoman Civilization*. Ankara: Ministry of Culture and Tourism, 2004.

Kafli, Kadircan. *Şimali Kafkasya*. İstanbul: Vakit Matbaası, 1942.

Kurat, Akdes Nimet, *Rusya Tarihi: Başlangıcından 1917'ye kadar*. Ankara: Türk Tarih Kurumu yayınları, 1987.

\_\_\_\_\_. *Türkiye ve Idil Boyu*. Ankara: Ankara Üniversitesi Basımevi, 1966.

Namıkorkun, Hüseyin. *Türk Tarihi*. Ankara: Akba Kitabevi, 1946.

Öztuna, Yılmaz. *Osmanlı Devleti Tarihi*. İstanbul: Faisal Finans Kurumu Yay., 1986.

Cevdat Paşa, Ahmet. *Cevdat Paşa Tarihinden Seçmeler*. C.1. İstanbul: Milli Eğitim Basımevi, 1994.

Peçevi, İbrahim Efendi. *Peçevi Tarihi*. Hazırlayan Bekir Sıtkı Baykal. Ankara: Kültür Bak. Yay., 1992.

Rasim, Ahmet. *Osmanlı Tarihi 1864 \_1932*. Ankara: Cumhuriyet Gazetecilik ve Matbaacılık Basımevi, 1966 \_1967.

Saray, Mehmet. *Rus İşğali Devrinde Osmanlı Devleti ile Türkistan Hanlıkları Arasındaki Siyasi Münasebetler*. İstanbul: İstanbul Üniversitesi Yay., 1990.

*Tarih Yeni ve yakın Zemanlar*. T. T. T. Cemiyati Tarafından Yazılmış (İstanbul: Devlet Matbaası, 1933.

Ülküsal, Müstecib. *Dobruca ve Türkler*. Ankara: Türk Kültürünü Araştırma Enstitüsü, 1966.

Zillioğlu, Mehmet. *Evlîya Çelebi Seyahatnamesi*. c. 1 -2. İstanbul: Üçdal Neşriyat, 1966.